

Islamic Knowledge and Insight

معرفت و بصیرت اسلامی

Analysis of the Verse "In Minkum Illa Wariduha" with Emphasis on Allama Majlisi's View in *Bihar al-Anwar*

بررسی آیه «إِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا» با تأکید بر نگره علامه مجلسی در بحار الانوار

1. Gholamhossein Safdari: PhD Student, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Mehdi Mehrizi*: Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Email: m-mehrizi@srbiau.ac.ir)
3. Mozghan Sarshar: Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

۱. غلامحسین صفدری: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. مهدی مهریزی*: دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (پست الکترونیک: m-mehrizi@srbiau.ac.ir)
۳. مژگان سرشار: استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Abstract

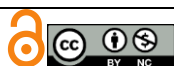
چکیده

The verse "In minkum illa wariduha" is one of the verses referring to the concept of Hell, and there exists significant scholarly disagreement regarding its meaning and interpretation. Given the necessity for a more precise and differentiated explanation of the Quranic verses, the present study employs a text-based approach to describe and analyze Allama Majlisi's perspective. The study concludes that, according to Majlisi, the term "warid" (to enter) in this verse can be understood in several meanings, including "presence," "entering," and "passing through," although "entering" seems to be the most definitive meaning. According to his interpretation, the pronoun "ha" refers more appropriately to "Hell," while the pronoun "kum" is inclusive in nature. A closer examination of his perspective reveals that his interpretation of the references of the pronouns is supported by numerous pieces of evidence. However, the three meanings of "warid" can be synthesized together, resulting in an analysis that suggests Hell surrounds the land of resurrection (Mahshar), and the path to Heaven is only possible by passing through it. Based on this understanding, "entering Hell" for some individuals involves a brief and unaffected passage, while for others, it entails a more prolonged and torturous experience.

Keywords: Hell's torment, verse of entrance, Bihar al-Anwar, Majlisi.

آیه «إِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا» از جمله آیات ناظر به موضوع جهنم است که در مورد مفهوم و مدلول آن، اختلاف نظر فراوانی میان مفسران و اندیشمندان وجود دارد. با نظر داشت ضرورت تبیین دقیق تر و تفکیکی آیات قرآن، نگاشته حاضر با استفاده از روش متن پژوهی، به توصیف و تحلیل دیدگاه علامه مجلسی پرداخته و بدین رهیافت رسیده است که از نگاه مجلسی، "ورود" در این عبارت می تواند در معانی "حضور"، "داخل شدن" و "عبور" به کار رود گرچه "داخل شدن"، معنایی متقن تر است. طبق دیدگاه وی، بازگشت ضمیر "ها" به "جهنم"، بازگشتی صائب تر است و مرجع ضمیر "کُم" نیز شمولیت دارد. واکاوی نگره ی مزبور نشان می دهد که دیدگاه او درباره مراجع ضمیر، دیدگاهی مستند به شواهد فراوان است اما سه معنای مربوط به "ورود" را می توان با یکدیگر تلفیق نمود و تحلیلی بدین صورت ارائه داد: جهنم، به سرزمین محشر احاطه داشته و صراط در متن آن قرار دارد و مردم هیچ راهی برای رفتن به بهشت ندارند جز آنکه از آنجا بگذرند. بر این پایه، "ورود به جهنم" برای یک دسته از افراد، "داخل شدنی عبورگونه و کوتاه و غیرمتاثر از آتش" و برای دسته ای دیگر، دخول و حضوری ماندگارتر و عذاب آمیز است.

کلیدواژگان: عذاب جهنم، آیه ورود، بحار الانوار، مجلسی.



How to cite: Safdari, G., Mehrizi, M., & Sarshar, M. (2024). Analysis of the Verse "In Minkum Illa Wariduha" with Emphasis on Allama Majlisi's View in *Bihar al-Anwar*. *Islamic Knowledge and Insight*, 2(3), 11-19.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 22 July 2024

Revise Date: 20 September 2024

Accept Date: 29 September 2024

Publish Date: 10 October 2024

شیوه استناددهی: صفدری، غلامحسین، مهریزی، مهدی، و سرشار، مژگان. (۱۴۰۳). بررسی آیه «إِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا» با تأکید بر نگره علامه مجلسی در بحار الانوار. معرفت و بصیرت اسلامی، ۲(۳)، ۱۱-۱۹.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۳۱ تیر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۳۰ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۸ مهر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۹ مهر ۱۴۰۳

مقدمه

در قرآن کریم درباره وقایع عالم آخرت، از جنبه‌ها و ابعاد مختلف سخن گفته شده است. از جمله مسائل مرتبط با آخرت که در این کتاب آسمانی آمده، مربوط به آیه ۷۱ سوره مبارکه مریم است که می‌فرماید: «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا»^۱. در این آیه کریمه، درباره دو مسئله اختلاف دیدگاه زیادی میان مفسران وجود دارد؛ مسئله نخست، به مرجع ضمیر "کم" در "مِنْكُمْ" ارتباط دارد و مسئله دوم، به تفسیر "وَارِدُهَا" مربوط است. طبق دیدگاه بسیاری از مفسران، همه انسان‌ها بعد از اینکه محشور شدند جهنم را درک می‌کنند؛ برخی دیگر، مرجع ضمیر "کم" را همه انسان‌ها نمی‌دانند و برخی نیز با تعمیم ضمیر "کم" به همه انسان‌ها، "ورود" را به "قرب و اشراق" معنا می‌کنند (Makarem Shirazi, 1995; Sabouni, 2000; Tusi).

یکی از روش‌هایی که معنای آیات را روشن‌تر ساخته و از مفاهیم و مدالیل آنها ابهام‌زدایی می‌کند، بررسی علی‌حده آیات - به‌ویژه آیات مشکله - از نگاه اندیشمندان مختلف است. بررسی نگره‌های مختلف به شکل تفکیکی و تفصیلی، زمینه‌ی تطبیق و در نتیجه فهم میزان اتقان آنها را فراهم آورده و سبب گزینش تفسیر درست‌تر از آیه می‌شود. بر این پایه، نگارش حاضر در صدد است تا آیه «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا» را با بهره‌گیری از داده‌های تفسیری و اتخاذ روش توصیفی - تحلیلی و با تأکید بر دیدگاه علامه مجلسی در بحارالانوار بررسی و راستی‌آزمایی نماید.

چارچوب کلی آیه

آیات ۶۶ تا ۷۲ سوره مبارکه مریم، یک بافت را تشکیل می‌دهد و سخن منکران معاد را درباره استبعاد از قیامت و پاسخ آن را بیان می‌کند و آثار سوء و بالای که در سخن آنان است را خاطر نشان می‌سازد (Tabatabai, 1995). آیه ۷۱ - که موضوع مورد بحث در این پژوهش است - ادامه بحث درباره ویژگی‌های رستاخیز و پاداش و

کیفر محسوب می‌شود. چنانکه پیشتر نیز ذکر گردید، اختلاف اقوال در این باره بسیار است که ذیلاً به گزارش و بررسی دیدگاه علامه مجلسی در این باره می‌پردازیم.

توصیف نگره علامه مجلسی

در این بخش، نگره علامه مجلسی را درباره آیه "ورود" گزارش و توصیف می‌کنیم

۱- دیدگاه مجلسی درباره ضمیر "کم"

با توجه به اقوالی که مجلسی در بحارالانوار نقل کرده، ضمیر "کم" اختصاصی به گروه کافران یا گناهکاران ندارد و همه انسان‌ها را در بر می‌گیرد؛ وی در این باره نوشته است: «مفسران درباره اینکه ضمیر "کم" به چه کسی باز می‌گردد اختلاف نظر دارند؛ برخی‌ها آن را منحصر در مشرکان می‌دانند. بر این اساس، منظور از «وَإِنْ مِنْكُمْ»، "ان منهم" است که در قرائات شواذ از ابن عباس نیز به همین صورت قرائت شده است اما اکثر صاحب نظران گفته‌اند که این آیه خطاب به همه مکلفان است و هیچ مومن و فاجری نیست مگر آنکه وارد جهنم می‌شود اما تفاوت این جاست که وقتی مومن وارد آن می‌شود، "بردا و سلاما" و برای کافران "عذاباً لازماً" می‌گردد (Majlesi, 1983).

۲- دیدگاه مجلسی درباره مرجع ضمیر "ها" در کلمه "واردها"

از نگاه مجلسی، مرجع ضمیر "ها" در واژه "واردها" (مریم: ۷۱)، در آیه ۶۸ وجود دارد که می‌فرماید: «لَنَحْضُرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثًّا» (مریم: ۶۸). طبق دیدگاه وی و دیدگاه بسیاری از محققان دیگر، ضمیر "ها" به جهنم باز می‌گردد (Majlesi, 1983). وی قول دیگری را نیز در این باره نقل نموده، می‌نویسد: «بعضی دیگر گفته‌اند که ضمیر "ها" به قیامت باز می‌گردد نه به جهنم و معنا چنین است: «مردم وارد عرصه قیامت می‌شوند که همگان، خواه نیکوکار و خواه بدکار، در آنجا حضور دارند» (Majlesi, 1983).

۱. «و هیچ (کس) از شما نیست مگر اینکه در آن (جهنم) وارد می‌شود؛ (این حکم) حتمی است که برای پروردگارت پایان یافته است» (مریم / ۷۱).

۳- دیدگاه مجلسی درباره معنای "ورود"

مجلسی، مفصل‌ترین بحث ذیل این آیه را به معنای "ورود" اختصاص می‌دهد و با نقل اقوال مختلف، به تبیین آن می‌پردازد. وی در این باره می‌نویسد: «علماء درباره معنای "ورود" اختلاف نظر دارند. در این باره دو دیدگاه وجود دارد؛ طبق دیدگاه اول، ورود به معنای وصول و اشراف است نه به معنای دخول. این معنا، در آیات دیگر نیز شاهد دارد چنانکه در آیات ذیل آمده است: «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ» (قصص: ۲۳)؛ «فَارْسَلُوا وَارِدَهُمْ» (یوسف: ۱۹). طبق این دیدگاه، اگر ورود را به معنای دخول بگیریم با آیات قرآن در تعارض است چنانکه فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا». این آیه دلالت دارد که نیکوکاران وارد آتش نمی‌شوند. بر این اساس، معنای ورود آنان چنین است: «أنهم واردون حول جهنم للمحاسبة». این معنا، با آیه «ثُمَّ لَنُخْرِجَهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًا» نیز هماهنگ است. دیدگاه دوم، ورود را به معنای دخول می‌داند و آیات زیر را شاهد بر دیدگاه خود می‌گیرند: «فَأُورِدَهُمُ النَّارَ» (هود: ۹۸)؛ «أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ لَوْ كَانَ هَؤُلَاءِ آلِهَةً مَا وَرَدُوهَا». این دیدگاه، دیدگاه ابن عباس و اکثر مفسران است و آیه ذیل نیز بر آن دلالت می‌کند: «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًا». در این آیه فرموده "نذر الظالمين" و نفرموده: "ندخل الظالمين" و در ادامه می‌نویسد: «إنما يقال نذر و ترك للشئ الذي قد حصل في مكانه» (Majlesi, 1983).

مجلسی برای دیدگاه دوم علاوه بر استناد به آیات قرآن و لغت، به اخبار نیز استناد می‌کند چنانکه می‌نویسد: «سُدِّي گوید: از مره همدانی درباره این آیه پرسیدم. وی به نقل از ابن مسعود از پیامبر (ص) چنین گفت: مردم همگی وارد آتش (دوزخ) می‌شوند، سپس بر حسب اعمالشان از آن بیرون می‌آیند، بعضی همچون برق، سپس کمتر از آن همچون گذشتن تندباد، بعضی همچون دویدن شدید اسب، بعضی همچون سوار معمولی، بعضی همچون پیاده ای که تند می‌رود، و بعضی همچون کسی که معمولی راه می‌رود» (Majlesi, 1983).

روایت دیگری که در این باره در بحار الانوار آمده، چنین است: «ابوصالح غالب بن سلمیان از کثیر بن زیاد از ابی سمینه نقل می‌کند که گفت: درباره معنای ورود اختلاف نظر داریم؛ گروهی می‌گویند: مومن وارد جهنم نمی‌شود و گروه دیگر می‌گویند: همگان وارد آن می‌شوند و آنگاه، اهل تقوا نجات پیدا می‌کنند. وی گوید: سپس جابر بن عبدالله را دیدم و از او در این باره سوال کردم. جابر با دو انگشت خود به دو گوشش اشاره کرد و گفت: این دو گوش کرباد! اگر از رسول خدا شنیده باشم که می‌گفت: ورود، دخول است و هیچ نیکوکار و نابکار نیستند مگر اینکه داخل جهنم شوند، پس بر مؤمنان برد و سلام باشد چنانچه برای ابراهیم بوده است، حتی اینکه آتش یا دوزخ (تردید از راوی است) از سرد شدنش ناله می‌کند. سپس خداوند پرهیزگاران را از آن رهایی می‌دهد، و ستمکاران را در آن به زانو در آمده رها می‌کند. در روایت مرفوعی که یعلی بن منبه از رسول خدا نقل کرده آمده است: جهنم، در روز قیامت به مؤمن می‌گوید: ای مؤمن، تو عبور کن که نور تو شعله‌های مرا خاموش کرد» (Majlesi, 1983).

مسأله ورود مومنان به جهنم و سرد شدن آتش، در روایات دیگر نیز آمده است چنانکه در روایتی از رسول خدا (ص) نقل شده است که از ایشان در این باره سوال شد، فرمودند: همانا خداوند آتش را همچون چربی جامد قرار می‌دهد، و همه انسان‌ها را در آن جمع می‌کند سپس منادی ندا می‌دهد: یارانت را بگیر و یاران مرا رها کن. پس به کسی که جانم در دست اوست سوگند که جهنم اصحابش را می‌شناسد همچون مادری که به فرزندش می‌رسد. و در روایت دیگری از جابر منقول است که گفت از معصوم پرسیدند: هنگامی که بهشتیان وارد بهشت می‌شوند برخی از آنان به برخی دیگر می‌گویند: آیا خداوند به ما وعده نداده بود که وارد آتش می‌شویم؟ پس در جواب به آن گفته می‌شود: واردش شدید اما خاموش بود.» (Majlesi, 1983).

با توجه به برخی از اخباری که مجلسی در بحار الانوار نقل کرده است، چنین برداشت می‌شود که نگاه وی، این معنا نیز دور نیست که

جهنم را باطن این دنیا و طبیعت را متن جهنم بدانیم؛ چنانکه آورده است: «مجاهد می گفت: تب بهره مؤمن از آتش است و آیه "وَإِنْ مِنْكُمْ إِكَّا وَارِدُهَا" را می خواند. بنا بر این هر مؤمنی تب کند، داخل جهنم شده است. در خبر است که تب از چرک های جهنم است. در روایت است که پیامبر خدا به عیادت مریضی رفت و فرمود: تو را مژده می دهم که خداوند فرمود: تب، آتش من است که بر بنده مؤمن خویش مسلط می سازم تا حظ او از جهنم باشد.» (Majlesi, 1983).

معنای دیگری که برای "ورود" در بحار آمده، "ورود" به معنای "گذر از صراط" است. مجلسی در این باره می نویسد: «برخی گفته اند: ورودها الجواز علی الصراط فإنه محدود علیها.» (Majlesi, 1983).

مجلسی در ادامه بحث خود، اقوال تفسیری طبرسی را ذکر نموده و بدون اظهار نظری، به این بحث پایان می دهد (Majlesi, 1983).

جدول ۱: نگره علامه مجلسی درباره آیه "ما مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا"

مرجع ضمیر "کُم"	۱- همه انسان ها؛ ۲- فقط مشرکان
مرجع ضمیر "ها"	۱- جهنم اخروی؛ ۲- قیامت؛ ۳- دنیا
دایره مفهومی "ورود"	۱- ورود همه مردم به جهنم؛ ۲- حضور همه مردم در کنار جهنم؛ ۳- ورود گناهکاران به جهنم؛ ۴- عبور مردم از پل صراط

اعتبارسنجی نگره علامه مجلسی

در ادامه بحث، به اعتبارسنجی و راستی آزمایی دیدگاه علامه مجلسی درباره آیه ورود می پردازیم تا میزان اتقان آن روشن گردد و از میان احتمالات مزبور، یک احتمال تثبیت شود.

۱- بررسی مرجع ضمیر "کُم"

طبق سخن مجلسی - چنانکه ذکر شد-، مرجع ضمیر "کُم" می تواند "همه مردم" یا فقط "مشرکان" باشد گرچه از منظر وی، عمومیت مرجع ضمیر ارجحیت دارد. یکی از قرینه هایی که می تواند مرجع ضمیر را تعیین کند، توجه به سیاق به عنوان یکی از قرائن متصل لفظی است. طبق سیاق، ضمیر "کُم" در "مِنْكُمْ" به همه مردم باز می گردد زیرا این برداشت، با آیه بعدی همخوانی دارد؛ در آیه بعدی می - فرماید: «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثَا» (مریم: ۷۲). با توجه به آیه ۲ اخیر، همه مردم وارد جهنم می شوند سپس، اهل تقوا از آن نجات پیدا کرده و ستم کاران در آن جا باقی خواهند ماند. این دیدگاه، مورد تایید بسیاری از مفسران و اهل تحقیق است (Huwi, 1996, 1995, 2003). ممکن است این اشکال

مطرح شود که طبق آیات قبل از آیه مورد بحث، ضمیر «کُم» تنها به قشر خاصی از مردم باز می گردد زیرا در آیات قبل می فرماید: «فَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ لَمْ يَنْصُرُوهُمْ وَكَانَ لَهُمْ جِثَا» (مریم: ۶۸-۷۰) (Qanouji, 1999) اما دقت در آیات اخیر نشان می دهد که حکم این دسته (=منکران معاد) صادر شده است زیرا طبق عبارت "لَنْحَضِرَهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثَا" این افراد زانورده گرداگرد جهنم حضور می یابند و طبق عبارت "لَنْتَرَعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ" افراد گناهکارتر از میان این گروه گزینش می شوند و براساس حکم صادره در آیه بعد، مجازات خواهند شد (Hijazi, 1993).

نکته دیگر در تأیید عام بودن مرجع ضمیر، عدم وجود دلیل بر تخصیص ضمیر به عده ای خاص بوده و قرائت شاذی که مجلسی از ابن عباس ذکر کرده - برخلاف مدعای خطاب خاص - می تواند مؤید همین دیدگاه مخاطب عام باشد زیرا خطابش به نوع انسان است (Khafaji, 1996; Qanouji, 1999).

می کنیم. سپس ما حتماً دانائیم، به کسانی که آنان برای ورود به آن (جهنم) سزاوارترند

۱. و سوگند به پروردگارت که حتماً آنان و شیطان ها را گردآوری می کنیم؛ سپس قطعاً آنان را، از پای در آمده، گرداگرد جهنم حاضر می سازیم! سپس از هر گروهی، هر کدام را که بر (خدای) گسترده مهر سرکش تر بوده اند، حتماً جدا

قرینه دیگر، قرینه منفصل روایات است زیرا روایات تفسیری فراوانی از فریقین، به ورود همه انسان‌ها مَهر تأیید می‌نهند (Fakhr Razi, 1978; Thaqafi Tehrani, 1999). منقول است که «روزی عبدالله بن رواحه در حال بیماری می‌گریست، همسرش نیز با دیدن او به گریه افتاد. عبدالله پرسید: تو چرا اشک می‌ریزی؟ گفت: به خاطر گریه‌ی تو. عبدالله گفت: ولی من به خاطر این سخن خدای متعال می‌گیرم که فرمود: «إِنَّ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا» ورود ما به دوزخ قطعی است، اما من نمی‌دانم از آن نجات می‌یابم یا خیر؟» (Tabari, 1991).

با توجه به آنچه گذشت، ضمیر "کُم" به همه مردم باز می‌گردد اما با توجه به اینکه تعیین قطعی مرجع ضمیر، با عبارات دیگر جمله نیز پیوند دارد، نگره نهایی را به نتیجه‌گیری موکول می‌کنیم.

۲- بررسی مرجع ضمیر "ها"

مسئله اختلافی دیگری که در آیه مورد بحث خودنمایی می‌کند، مرجع ضمیر "ها" در ترکیب اضافی "واردُها" است. مجلسی-چنانکه گفته شد-، بازگشت ضمیر به "جهنم" را پذیرفتی‌تر عنوان می‌کند اما دو احتمال دیگر یعنی دنیا و قیامت را نیز به عنوان قولی منقول نفی نمی‌کند. اگر دو دیدگاه اخیر را برخی از اهل تفسیر ذکر کرده اند (Qanouji, 1999) اما بازگشت ضمیر به جهنم یا آتش، علاوه بر اینکه دیدگاه اکثر مفسران است، با آیات نیز همخوانی دارد چرا که در آیه بعدی می‌فرماید: «نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثًا»؛ که "فیها" به معنای "فی جهنم" یا "فی النار" است (Tusi). این دیدگاه- علاوه بر قرینه متصل لفظی-، با قرینه منفصل لفظی آیات نیز دمساز است

۱. در این باره نوشته اند: «لا بد لكل أحد عند البعث و النشور أن يرد عالم الطبيعة لكونها مجاز عالم القدس» (نک: ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۳). امام خمینی معتقد است صراط، همان ورود به نشئه دنیا و آغاز سیر انسان از طبیعت است که با گذر از دنیا در حقیقت از صراطی که بر جهنم است، عبور می‌کند و در آخرت، همین عبور برای همه ظهور می‌یابد (مرتضوی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۷۱۸).
۲. و ستمکاران را، از پای در آمده، در آن (دوزخ) وا می‌گذاریم
۳. در حقیقت شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید، هیزم جهنم هستید؛ در حالی که شما وارد شدگان در آن هستید.

زیرا در آیات دیگری از کتاب الله الکریم نیز از واژه "ورود" برای "جهنم" و "نار" استفاده شده است چنان که در سوره مبارکه انبیاء می‌فرماید: «إِنَّكُمْ وَ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ»^۳ (انبیاء: ۹۸) و یا در سوره کریمه هود می‌فرماید: «يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ»^۴ (هود: ۹۸) (Al-Alusi, 1995) و در آیه دیگری فرموده است: «لَوْ كَانَ هَؤُلَاءِ آلِهَةً مَا وَرَدُوهَا»^۵ (انبیاء: ۹۹). علاوه بر دو قرینه مزبور، قرینه منفصل روایات نیز دیدگاه مزبور را تأیید می‌کند چنانکه در روایتی فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَدْخُلُ أَحَدًا الْجَنَّةَ حَتَّى يَطْلُعَهُ عَلَى النَّارِ وَ مَا فِيهَا مِنَ الْعَذَابِ» (Fayz Kashani, 1994).

تفسیر "جهنم" به "دنیا" بنا بر مشرب عرفا است و امری تذوقی محسوب می‌شود و مستند و قرینه مکفی ندارد اما بازگشت آن به قیامت گرچه با آیه ۶۸ می‌تواند پیوند بخورد اما با کلیت سیاق و نیز سایر قرائن همخوانی ندارد. بر این اساس، بازگشت آن به جهنم مستندتر است گرچه معنای "ورود" که در عنوان بعدی بحث می‌شود می‌تواند در تعیین دو مرجع ضمیر پیش گفته تأثیرگذار باشد.

۳- بررسی معنای "ورود"

چنانکه گفته شد، مجلسی چند دیدگاه را درباره واژه "ورود" نقل یا ذکر می‌کند که در یک دیدگاه، آن را به معنای "دخول" و در دیدگاه دیگر به معنای "حضور" و در دیدگاه سوم به معنای "عبور" می‌گیرد. با توجه به آیات قرآن، دسته‌ای از انسان‌ها در آتش جهنم عذاب نمی‌شوند چنانکه در آیات زیر به این مسئله اشاره شده است: «إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ الْحُسْنَى أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ»^۶ (انبیاء: ۱۰۱)

۴. روز رستاخیز (فرعون) در پیشاپیش قومش خواهد رفت، و آنان را وارد آتش می‌کند؛ و کسانی که وارد شده‌اند، چه بد ورودگاهی (برای آنان) است!
۵. اگر (بر فرض) اینان معبودانی بودند، وارد آن (جهنم) نمی‌شدند؛ در حالی که همه در آن ماندگارند.
۶. برآستی کسانی که قبلاً از طرف ما (وعده) نیک به آنان داده شده است، آنان از آن (جهنم) دور نگاه داشته می‌شوند. برخی، این آیه را ناسخ آیه ورود تلقی کرده اند (نک: قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۷۷) اما این سخن قابل قبول نیست زیرا ضمیر در "عنها" به عذاب در آتش باز می‌گردد نه به خود جهنم

و در آیه دیگری فرموده است: «لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا»^۱ (انبیاء: ۱۰۲) و نیز می‌فرماید: «وَهُمْ مِنْ قَرَعِ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ»^۲ (نحل: ۸۹). مجلسی، خود نیز به برخی از این شواهد اشاره کرده است چنانکه می‌نویسد: «منظور از جمله أُولَئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ این است که: از عذاب آن دور نگه داشته می‌شوند (نه از خود آن)» (Majlesi, 1983). طبق این آیات، داخل شدن به جهنم منتفی نیست اما این داخل شدن به معنای ماندگار شدن در آنجا و مورد آزار قرار گرفتن از عذاب آن نیست بلکه این ورود، ورودی عبورگونه است که این افراد هیچ آزاری از ناحیه‌ی آن نمی‌بینند. این معنا، مورد تایید روایات نیز است که به برخی از آن‌ها پیشتر اشاره شد. چنانکه گفته شد، در روایتی از رسول خدا (ص) آمده است که فرمودند: «آتش در روز قیامت به انسان مومن می‌گوید که زودتر از من عبور کن زیرا نور تو زبانه ام را خاموش می‌کند». در روایت دیگری آمده است: «منادی - از سوی پروردگار - به جهنم ندا می‌دهد که یارانت را بگیر و یاران مرا واگذار» (Qomi Mashhadi, 1989).

در خبر دیگری از حسن بصری منقول است که وی مردی را دید که می‌خندد که به او گفت: آیا می‌دانی که وارد آتش می‌شوی؟ گفت: آری می‌دانم! وی گفت: و آیا می‌دانی که از آن خارج می‌شوی؟ گفت: نه نمی‌دانم! پس گفت: پس برای چه می‌خندی؟! بعد از این قضیه، حسن هیچ وقت نخندید تا اینکه از دنیا رفت. برخی گفته‌اند: فایده این کار این است که در بعضی روایات آمده است که خداوند کسی را به بهشت نمی‌برد تا او را از عذاب جهنم آگاه سازد. برای اینکه فضل خدا و کمال لطف او را بشناسد و از بهشت و نعمتهای آن بیشتر مسرور شود و کسی را بجهنم نمی‌برد، تا او را از نعمتهای بهشت آگاه گرداند. برای اینکه بر حسرت و ناراحتی او افزوده شود (Majlesi, 1983).

این اخبار و روایات دیگری که در این باره نقل شده است بر این نکته تاکید دارند که وارد شدن همگان به جهنم انکارناپذیر بوده^۳ (Mazandarani, 1962) اما اثرپذیری از لهیب آن و ماندگار شدن در آنجا مخصوص عده‌ای خاص از مردم است. بنابراین، به گونه‌ای می‌توان میان اقوال مزبور جمع نمود و ورود به آتش را به معنای "داخل‌شدنی عبورگونه" تعبیر کرد. در نتیجه، روایات مزبور با روایاتی که در باره صراط نقل شده است، انطباق پیدا می‌کند زیرا طبق روایات، صراط پلی است که روی آتش کشیده شده است و همه مردم؛ خواه نیکان و خواه بدان؛ مامور می‌شوند که به آنجا وارد شوند اما نیکان از آن عبور کرده و فاجران در آتش می‌افتند (Ibn Babawayh, 1993). مازندرانی در این باره می‌نویسد:

«جهنم، به سرزمین محشر محیط است و در متن آن، صراط قرار دارد و مردم هیچ راهی برای رفتن به بهشت ندارند جز آنکه از آنجا بگذرند. در این گذر، طالحان به جهنم افتند و صالحان به سلامت عبور کنند» (Mazandarani, 1962). این سخن در برخی از اخبار دیگر نیز آمده است چنانکه از قتاده و حسن منقول است که جهنم را طریق و ممری برای وارد شدن به بهشت دانسته‌اند (Kabir Madani Shirazi, 1989).

این معنا، با آیاتی مانند «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ»^۴ (قصص: ۲۳) نیز تناقضی ندارد زیرا - چنانکه اهل لغت گفته‌اند - "وردت ماء کذا" به معنای حاضر شدن در آبشخور است حتی اگر انسان از نهر ننوشد. بر این پایه، حضور یافتن در جهنم برای برخی از مردم، عبورگونه و بدون آسیب اما برای برخی دیگر، همراه با عذاب است (Ragheb Esfahani, 1991). عدم آزار رسانی آتش به برخی‌ها، علاوه بر روایات، مورد تایید آیات قرآن نیز است چنانکه درباره حضرت

۳. با توجه به عبارت "كَانَ عَلَى رُبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا"، وقوع این امر، قطعی و حتمی است. یعنی خداوند از روی حکمت و مصلحت، انجام این کار را بر خود واجب و لازم کرده است. (مجلسی، همان، ج ۸، ص ۲۵۱)
۴. و هنگامی که به (چاه) آب مَدْيَن رسید

۱. آوای آن (آتش) را نمی‌شنوند؛ و آنان در آنچه خودشان میل دارند، ماندگارند
۲. و آنان در آن روز از وحشت در امانند

ابراهیم (ع) می‌فرماید: «یا نارُ کُونِیْ بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَیْ اِبْرَاهِیْمَ»^۱ (انبیاء: ۶۹) که آتش آن چنان سرد و ملایم شد که دندان ابراهیم از شدت سرما به هم می‌خورد، و اگر تعبیر به "سلاما" نبود، آتش آن چنان سرد می‌شد که جان ابراهیم از سرما به خطر می‌افتاد (Makarem Shirazi, 1995; Modarresi, 1998; Zamakhshari, 1987).

نتیجه‌گیری

با توجه به دیدگاه مجلسی، "ورود" در عبارت "مَا مِنْكُمْ اِلَّا وَاَرْدُهَا" گرچه می‌تواند در معانی "حضور"، "داخل شدن" و "عبور" ظهور یابد اما معنای "داخل شدن" همخوانی بیشتری با آیات و روایات دارد. طبق دیدگاه وی، مرجع ضمیر "ها" در "وَاَرْدُهَا" می‌تواند به "جهنم"، "قیامت" یا "دنیا" بازگردد اما بازگشت آن به "جهنم"، متقن‌تر است و مرجع ضمیر "کُم" در "مِنْكُمْ" نیز می‌تواند شامل تمام انسان‌ها شود و یا اینکه تنها منکران معاد را در بر گیرد. واکاوی نگره-ی مزبور، محقق را به این رهیافت می‌رساند که بازگشت ضمیر "کُم"

Verses 66 to 72 of Surah Maryam address the denial of the resurrection and respond to objections raised by those who doubt it. These verses outline the consequences for those who reject the Day of Judgment. Verse 71, which is the focus of this research, continues discussing the characteristics of the afterlife, including the rewards and punishments in the Hereafter. The interpretation of this verse has been highly debated, with Allama Majlisi's interpretation being one of the most prominent (Majlesi, 1983). This section will provide a detailed analysis of Majlisi's views on the verse.

Allama Majlisi's interpretation of this verse is outlined in several parts:

1. Majlisi's View on the Pronoun "Kum":

Majlisi argues that the pronoun "kum" (you) does not refer exclusively to disbelievers or sinners but rather encompasses all humans. Some commentators interpret it as referring only

به "همه‌ی انسان‌ها" بازگشتی صائب‌تر است و ضمیر "ها" نیز به "جهنم" باز می‌گردد اما درباره معنای "ورود" می‌توان معانی مزبور را با یکدیگر جمع کرد زیرا جهنم، به سرزمین محشر احاطه داشته و صراط در متن آن قرار دارد و مردم هیچ راهی برای رفتن به بهشت ندارند جز آنکه از آنجا بگذرند؛ که هنگام عبور از جهنم، طالحان به آتش افتند و صالحان از آن به سلامت عبور کنند. بر این اساس، "ورود به جهنم" برای یک دسته از افراد، "داخل‌شدنی عبورگونه و غیرمتاثر از عذاب آتش" است و برای دسته‌ای دیگر- به تناسب اعمال- دخول و حضوری ماندگارتر در آنجا رقم می‌خورد که طعم عذاب را خواهند چشید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The Quran discusses various aspects of the afterlife, including those related to Hell. One of the verses that addresses the afterlife is verse 71 from Surah Maryam, which says: "And there is none of you but will come to it; this is, with your Lord, a decree which must be accomplished" (Quran, 19:71). There are significant differences in interpretation regarding this verse. The first point of contention is the referent of the pronoun "you" in "minukum" (from among you). The second point concerns the meaning of "wariduhā" (will come to it). Some scholars interpret this verse to mean that all humans, upon resurrection, will experience Hell. Others interpret "you" as referring to a specific group, such as disbelievers, while some interpret "wariduhā" as referring not to entry into Hell but to proximity or witnessing it. This study aims to explore the verse's meaning, focusing particularly on the views of Allama Majlisi as presented in his *Bihar al-Anwar* (Majlesi, 1983).

۱. گفتیم: «ای آتش! بر ابراهیم سرد و سلامت باش».

to the disbelievers, but Majlisi contends that it is a general address to all people, both believers and sinners. He states that the verse implies that all people will pass by Hell, though believers will experience it without suffering, while disbelievers will face the punishment.

2. **Majlisi's View on the Referent of "Hā" in "Wariduhā":** Majlisi offers two possible interpretations of the referent of the pronoun "hā" in "wariduhā" (will come to it). The first view is that "hā" refers to Hell itself, and all humans will pass near it. The second view is that it refers to the Day of Judgment, where all humans will be present. Majlisi tends to favor the first interpretation, supporting it with references to other Quranic verses that discuss Hell.
3. **Majlisi's View on the Meaning of "Warud" (Coming to it):** The word "warud" is interpreted by Majlisi in two main ways: one group of scholars views it as "entering," while others interpret it as "approaching" or "passing by." Majlisi prefers the second interpretation, arguing that people will not necessarily enter Hell but will be brought near it for judgment. He also references hadiths that suggest believers will pass through Hell, but their light will protect them from its fire.

In this section, we assess the validity of Majlisi's interpretation by analyzing the references he used and considering alternate interpretations. First, we examine the pronoun "kum" and argue that it refers to all of humanity, supported by the context of the surrounding verses. The subsequent verses mention how the pious will be saved, and the wicked will remain in Hell. The general meaning of the verse, therefore, applies to all people.

Regarding the referent of "hā" in "wariduhā," Majlisi's interpretation, which links it to Hell, is consistent with many other Quranic verses and hadiths. The idea that Hell is the destination for all humans aligns with the broader themes in the Quran.

Lastly, the meaning of "warud" as either "entering" or "passing by" is examined. While some scholars argue that entering Hell is a permanent state for the wicked, others interpret it as a transient experience. Majlisi's interpretation of it as a brief encounter is supported by several hadiths that suggest believers will pass through Hell without suffering.

Allama Majlisi's interpretation of Surah Maryam, verse 71, provides a comprehensive view of the afterlife and the fate of all humans in relation to Hell. His interpretation, while not free from debate, presents a coherent understanding of the verse, drawing on both Quranic exegesis and hadith. The verse speaks to the inevitability of facing Hell, either through proximity or by passing through it. Majlisi's approach to interpreting the meaning of "warud" and the referent of the pronouns "kum" and "hā" contributes to a deeper understanding of the afterlife in Islamic eschatology.

References

- Al-Alusi, S. M. (1995). *Ruh Al-Ma'ani Fi Tafsir Al-Quran Al-Azim*.
- Fakhr Razi, M. I. O. (1999). *Mafatih Al-Ghayb*.
- Fayz Kashani, M. M. (1994). *Tafsir Al-Safi*.
- Hijazi, M. M. (1993). *Al-Tafsir Al-Wadih*.
- Huwi, S. (2003). *Al-Asas Fi Al-Tafsir*.
- Ibn Babawayh, M. I. A. (1993). *E'teqadat Al-Imamiyyah*.
- Kabir Madani Shirazi, S. A. K. I. A. (1989). *Riyadh Al-Salikin Fi Sharh Sahifat Seyyed Al-Sajidin*.
- Khafaji, A. I. M. (1996). *Inayat Al-Qadhi Wa Kifayat Al-Radhi*.
- Majlesi, M. B. (1983). *Bihar Al-Anwar*.
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir Nemouneh*.
- Mazandarani, M. S. I. A. (1962). *Sharh Al-Kafi - Al-Usul Wa Al-Rawdah*.
- Modarresi, S. M. T. (1998). *Min Huda Al-Quran*.
- Qanouji, S. M. S. (1999). *Fath Al-Bayan Fi Maqasid Al-Quran*.
- Qomi Mashhadi, M. I. M. R. (1989). *Kanz Al-Daqa'iq Wa Bahr Al-Ghara'ib*.
- Ragheb Esfahani, H. I. M. (1991). *Mufradat Alfaz Al-Quran*.
- Sabouni, M. A. (2000). *Safwat Al-Tafasir*.
- Tabari, M. I. J. (1991). *Jami Al-Bayan Fi Tafsir Al-Quran*.
- Tabatabai, S. M. H. (1995). *Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran*.

- Tabatabai, S. M. H. (1996). Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran.
- Thaqafi Tehrani, M. (1978). Tafsir Ravan Javid.
- Tusi, M. I. H. Al-Tebyan Fi Tafsir Al-Quran.
- Zamakhshari, M. I. O. (1987). Al-Kashaf An Haqaiq Ghawamid Al-Tanzil.